



رضا توکلی بازیگر سینما و تلویزیون گفت: امیدوارم سینمایی که متعلق به تار و پود فرهنگی ما است و عمیقا به ما مربوط می شود را شاهد باشیم و بتوانیم های حماسی بزرگی در ارتباط با تمدنمان ، فرهنگ و معرفت انسانی و ایرانی بپودن بسازیم و

در دنیا نمایش بدهیم. وی در پاسخ به این سوال که چرا در سینما ماندگار شده‌اید و با تمام سختی ها به سراغ حرفه دیگری نرفتید، بیان کرد : فکر می کنم یک نوع عاشقی و عشق عجیب

خانه پدری اصفهانی ها در تهران می ماند

آفتاب یزد: نمایش خانه پدری به نویسندگی نوشین تیریزی و کارگردانی نوید اصغری تا ۲۶ شهریور ماه ساعت ۱۹ در سالن شماره ۱ خانه نمایش مهرگان به روی صحنه می رود. این اثر نمایشی حاصل تلاش ۲۵ جوان اصفهانی است که پس از هفت ماه تمرین با هزینه شخصی در تهران اجرا می شود. خانه پدری روایتگر داستانی تاریخی اجتماعی- سیاسی درباره خانواده‌ای است که املاکشان غصب می شود.

«سه جلد»

آبان کلید می خورد

بهرنگ توفیقی کارگردان سینما و تلویزیون در جدیدترین اثر خود به سراغ نمایش خانگی رفته است و قرار است مجموعه «سه‌جلده»ایرایی‌نمایش‌خلگی‌به‌تهیه‌کنندگی جمال گلسی مقابل دوربین برود. جمال گلی در خصوص آخرین وضعیت ساخت این مجموعه به «سهبا» گفت: در حال حاضر «سه‌جلد» در مرحله پیش‌تولید‌قرار دارد‌و‌قرار است اول آبان ماه تصویربرداری آن آغاز شود. وی در خصوص لوکیشن ها و بازیگران این سریال گفت: لوکیشن ها در تهران و ترکیه تصویربرداری خواهد شد و هنوز در خصوص بازیگران این سریال تصمیم‌گیری نکرده‌ایم.

«سرباز» ادامه دارد

مجموعه تلویزیونی «سرباز» این روزها مراحل تصویربرداری خود را در تهران سپری می‌کند. نیما شعبان نژاد و حسین مهری جدیدترین بازیگرانی هستند که به مجموعه تلویزیونی «سرباز» پیوسته‌اند. پیش از این نیز حضور کوروش تهامی بازیگر سینما و تلویزیون در این پروژه قطعی شده بود. «سرباز» به کارگردانی هادی مقدم دوست و تهیه کنندگی محمدرضا شفیعی عاشقانه‌ای حماسی است که در ۴۰ روزه ۴۵ دقیقه‌ای برای شبکه سه سیما تولید می شود. این سریال حکایت سرباز وظیفه‌ای به نام پجبی و همسرش یلدا و رفقای هم خدمتی اش است. در خلاصه داستان «سرباز» آمده است: در وفای عشق تو مشهور خوانم چو شمع، شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع.

بازیگران جدید

«حکایت‌های کمال»

در حالی که تصویربرداری سریال «حکایت‌های کمال» همچنان در شهرک غزالی ادامه دارد، تدوین سریال نیز به تازگی آغاز شده است. سریال ۱۵۰ قسمتی «حکایت‌های کمال» به تهیه‌کنندگی محسن شیرایان‌فر و کارگردانی قدرت‌الله صلح میرزایی، اوایل مرداد ماه گذشته در شهرک غزالی کلید خورده و تاکنون بیش از ۲۵ درصد آن تصویربرداری شده و تدوین سریال را به طور هم‌زمان شادی شایان‌فر آغاز کرده است. به گزارش فارس، محمود پاک‌نیت،شهره‌لرستانی،نگارعبادی،فلورنظری و جمعی از بازیگران سینما و تئاتر جلو دوربین این سریال رفته‌اند. به تازگی نیز آرش نودری، داریوش سلیمی، سعید پیردوست، عباس محبوب، سولماز حصارى و حمید صفایی به جمع بازیگران حکایت های کمال پیوستند.



هوتن شکبیا در «بینویان»

هوتن شکبیا در دومین تجربه موزیکال خود ایفاگر نقش «موسیو تناردیه» در موزیکال «بینویان» شد. شکبیا که برای ایفای نقش فاگین در موزیکال «الیور توئیست» جایزه ویژه پانزدهمین دوره جشن بازیگر خانه تئاتر را دریافت کرد، این بار در موزیکال «بینویان» در نقش موسیو تناردیه حاضر خواهد شد. به گزارش ایستا، موزیکال بینویان به کارگردانی حسین پارسایی و به رهبری بردیا کبیرس از ۲۰ آبان ماه در تهران رویال هال به روی صحنه می رود.

«فروزان» در آمریکا و هند

به فیلم کوتاه «فروزان» به کارگردانی میرعباس خسروی‌نژاد در بخش مسابقه سه جشنواره در کشورهای آمریکا و هند حضور خواهد داشت. هشتمین دوره جشنواره Tylef Downtown در کشور آمریکا و از تاریخ ۱۱ تا ۱۴ اکتبر مصادف با ۱۹ تا ۲۲ مهر ماه برگزار می شود و فیلم کوتاه «فروزان» را به عنوان تنها نماینده سینمای ایران در بخش مسابقه خود به نمایش خواهد گذاشت. همچنین این فیلم کوتاه در پنجمین دوره جشنواره Bioscope از تاریخ ۲۷ سپتامبر مصادف با ۵ تا ۸ مهر ماه در شهر دهلی نو و چهارمین دوره جشنواره Shimla از تاریخ ۱۲ تا ۱۴ اکتبر مصادف با ۲۰ تا ۲۲ مهرماه در کشور هند حضور خواهد داشت. به گزارش سینماپرس، فیلم کوتاه «فروزان» که در انجمن سینمای جوان ایران دفتر خرم آباد تولید شده است، داستان زن جوانی است که شوهرش فوت شده و با دو فرزند کوچکش در روستا زندگی می کند و سعی می کند از خانوادهاش در مقابل حمله شبانه زده‌ها محافظت کند.



آفتاب هنرمندان جهان

خداحافظی باشکوه ردفوردر با پرده نقره‌ای

نمایش آخرین فیلم کارنامه کاری رابرت ردفوردر در جشنواره فیلم تورنتو با تشویق ایستاده تماشاگران روبه‌رو شد، تا ستاره هالیوود وداعی باشکوه از پرده نقره‌ای داشته باشد. فیلم «پیرمرد و تفنگ» قرار است که آخرین فیلم کارنامه کاری رابرت ردفوردر در مراسم بازیگر باشد. ردفوردر پیش از این اعلام کرده بود که پس از این فیلم از دنیای بازیگری خداحافظی می‌کند. پس از نمایش فیلم «پیرمرد و تفنگ» و تشویق ایستاده تماشاگران پس از پایان فیلم، بسیاری از منتقدان باور دارند که شناس ردفوردر برای دریافت اسکار با این فیلم بسیار زیاد است. «پیرمرد و تفنگ» داستانی را روایت می‌کند که ریشه در حقیقت دارد و قهرمانان آن یک سارق بانک و یک فراری از زندان هستند.

رابرت ردفوردر ۸۲ سال دارد و در طول حیات هنری خود یک بار در سال ۱۹۸۰ برای فیلم «مرد معمولی» اسکار بهترین کارگردان را دریافت کرد و یک بار در سال ۲۰۰۲ جایزه اسکار افتخاری را گرفت. از فیلم‌های مشهور ردفوردر می‌توان به «نیش»، «بوج کسیدی و ساندیس کید» و «خارج از آفریقا» اشاره کرد. به گزارش خبرآنلاین، ردفوردر اعلام کرده که پس از خداحافظی از دنیای بازیگر زین‌پس تمرکز خود را روی کارگردانی خواهد گذاشت.



آفتاب سینما

«ببخشید دل‌تنگ شدیم»

کلید خورد

فیلمبرداری فیلم جدید کن لوچ که درباره یک خانواده است که درگیر بحران بازار سال ۲۰۰۸ می‌شود، از روز سه شنبه شروع شد. این کارگردان فیلمبرداری «ببخشید دل‌تنگ شدیم» را از ۱۱ سپتامبر شروع کرد. این فیلم روایتگر خانواده‌ای است که با بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ برای پرداخت بدهی‌هایشان به مشکل برمی‌خورند و پدر خانواده نیاز به یک ون دارد تا بتواند به عنوان یک راننده به توزیع جنس بپردازد. به گزارش مهر به نقل از روتاتی، آخرین فیلم لوچ «من ندیل بلیک هستم» درباره فردی بود که بیکار شده و به کمک‌های اجتماعی نیاز دارد و در عین حال یک مادر جوان و فرزندانش نیز تلاش داشتند تا بتوانند زندگی خود را پیش ببرند.

دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۱۴۱۴۲۸ در میان بگذارید.

کاسب‌های محل را برای اولین فیلمم مهمان کردم

تولید شد. وی افزود : سینما برای دیده شدن است و اتفاقات بزرگی را در دنیا به وجود می‌آورد و باعث می‌شود انسانیت و عشق رقم بخورد و هرآن چیزی که در روابط انسانی است را به وجود می‌آورد. به گزارش باشگاه خبرنگاران، توکلی ادامه داد : ما نیاز به سینمای پویا و قدرتمند، تاریخی و حماسی، اجتماعی و به خصوص سینمای وحشت و در مجموع همه ژانرها داریم، من در ژانر وحشت «سگ های پوشالی» را ساختم اما من را بسیار آذیت کردند.

هنر شبیه‌خوانی به روایت مرتضی صفاریان

تعزیه دار دبه فراموشی سپرده می شود



کسانی که مخالف‌خوانی می‌کنند، نمی‌توانند موافق بخوانند. موافق‌خوان‌ها دیگر صدای‌شان به مخالف‌خوانی بر نمی‌گردد ولی من چون گاهی موافق و گاهی مخالف می‌خوانم، در نتیجه می‌توانم از پس هر دو بر بیایم.

آقای صفاریان، پدر و برادر شما تعزیه‌خوان بودند و شما تعزیه‌خوانی را از سننین کودکی آغاز کرده‌اید. خودتان به تعزیه علاقه‌مند شدید یا پدر و برادر تان از شما خواستند تعزیه بخوانید؟

من ۵- ۶ سالگی شروع به تعزیه خواندن کردم. پدر من علاوه‌بر این‌که تعزیه‌خوانی می‌کرد، مکتب‌دار هم بود که به ایشان میرزاعلی می‌گفتند. من نزد پدرم درس خواندم و به مدرسه نرفتم. آن زمان تهران به این بزرگی نبود. دو گروه تعزیه‌خوان در تهران وجود داشت که یکی گروه برادر من، مشر رضا بود و یکی هم گروه حاج سیدمحمد بزرگ. فامیلی ایشان بکایی بود منتها آن موقع فامیلی مطرح نبود و هر شخصی را به اسم صدا می‌زدند. مثلاً به من می‌گفتند مرتضی بابا جان. پدر من در زمان خودش مسن‌ترین تعزیه‌خوان بود و به همین خاطر به ایشان می‌گفتند بابا جان. به من هم می‌گفتند مرتضی بابا جان. یعنی مرتضی پسر بابا جان. تا ۱۵ سالگی به همین اسم من را صدا می‌زدند. فامیلی برادر من میرزاعلی بود. بعضی‌ها می‌پرسند پس چرا شما صفاریان هستی؟ به خاطر این‌که مادر ایشان جداست و مادر ایشان زمانی‌که برای دریافت شناسنامه مراجعه کرد، اعلام کرد همسرم با فامیلی میرزاعلی شناخته می‌شود و آن‌ها هم شناسنامه برادرم را با فامیلی میرزاعلی صادر کرده‌اند. من یک برادر دیگر هم دارم که با ایشان هم از مادر جدا هستیم ولی فامیلی او نیز صفاریان است. او تعزیه‌خوان نیست و بازنشسته اداره مسکن است.

آقای صفاریان، پدر و برادر شما تعزیه‌خوان بودند و شما تعزیه‌خوانی را از سننین کودکی آغاز کرده‌اید. خودتان به تعزیه علاقه‌مند شدید یا پدر و برادر تان از شما خواستند تعزیه بخوانید؟

من ۵- ۶ سالگی شروع به تعزیه خواندن کردم. پدر من علاوه‌بر این‌که تعزیه‌خوانی می‌کرد، مکتب‌دار هم بود که به ایشان میرزاعلی می‌گفتند. من نزد پدرم درس خواندم و به مدرسه نرفتم. آن زمان تهران به این بزرگی نبود. دو گروه تعزیه‌خوان در تهران وجود داشت که یکی گروه برادر من، مشر رضا بود و یکی هم گروه حاج سیدمحمد بزرگ. فامیلی ایشان بکایی بود منتها آن موقع فامیلی مطرح نبود و هر شخصی را به اسم صدا می‌زدند. مثلاً به من می‌گفتند مرتضی بابا جان. پدر من در زمان خودش مسن‌ترین تعزیه‌خوان بود و به همین خاطر به ایشان می‌گفتند بابا جان. به من هم می‌گفتند مرتضی بابا جان. یعنی مرتضی پسر بابا جان. تا ۱۵ سالگی به همین اسم من را صدا می‌زدند. فامیلی برادر من میرزاعلی بود. بعضی‌ها می‌پرسند پس چرا شما صفاریان هستی؟ به خاطر این‌که مادر ایشان جداست و مادر ایشان زمانی‌که برای دریافت شناسنامه مراجعه کرد، اعلام کرد همسرم با فامیلی میرزاعلی شناخته می‌شود و آن‌ها هم شناسنامه برادرم را با فامیلی میرزاعلی صادر کرده‌اند. من یک برادر دیگر هم دارم که با ایشان هم از مادر جدا هستیم ولی فامیلی او نیز صفاریان است. او تعزیه‌خوان نیست و بازنشسته اداره مسکن است.

برای اولین بار چطور شد که تعزیه خواندید؟

همان‌طور که اشاره کردم، برادر من یک گروه تعزیه داشت که چون بچه‌خوان در آن نبود، به من گفت یک کلاه‌خود و یک شمشیر کوچک برایت می‌خرم و تو سرا به تعزیه می‌روی. با پدرم صحبت کرد و او نیز مشکلی با این قضیه نداشت. در نتیجه برادرم من را با خودش به تعزیه می‌برد و یاد می‌آید که در سن ۶- ۷ سالگی به مدت سه ماه در امامزاده داد‌بودم و نقش حضرت سکینه و طفلان مسلم را می‌خواندم. در ۱۰- ۱۲ سالگی، حضرت علی‌اکبر و حضرت قاسم هم می‌خواندم. آن زمان مانند الان نبود که تعزیه‌خوان حضرت علی‌اکبر باید حتماً یک جوان ۲۲- ۲۳ ساله بلندقد باشد. من یک‌یادم می‌آید که حتی من را بغل می‌کردند و روی اسب می‌نشاندند. علاقه زیادی به لباس تعزیه داشتیم. در ۱۷- ۱۸ سالگی هم شرم و حارث می‌خواندم.

یعنی ابتدا موافق‌خوان بودید و بعد مخالف‌خوان شدید؟

به طور کل مخالف‌خوان نشدم. موافق می‌خواندم و مخالف هم می‌خواندم. اکنون

عبدالعباس کاکایی می‌گوید: مداحی‌هایی که می‌شنوم بیشتر به ترانه‌های پاپ نزدیک است و از جهت ریتم و ملودی و حتی گاهی کلام یا شعرهای مذهبی فاصله دارد. این شاعر درباره نوحه‌هایی که امروز در قالب شعرهای آیینی می‌شنوم اظهار کرد: به نظر می‌رسد یک اقدام عمومی برای این‌که سطح شعر مداحی و منبری ما بالا برود لازم است تا مسواد و دانش ادبی این شاعران بالا برود و آثار وزین و سنگین‌تر بسازند. او با اشاره به نامناسب بودن شعرهای برخی نوحه‌ها و مداحی‌ها گفت: آنچه ما از طریق رسانه‌ها یا هیئت‌های مذهبی می‌شنوم، نشان‌دهنده آن است که انتخاب شعرها برای نوحه‌سرای‌ها خوب نیست و هر سال هم همین مطلب را تکرار می‌کنیم که معمولاً این شعرها، شعرهای پیش‌افتاده‌های هستند که

عبدالعباس کاکایی می‌گوید: مداحی‌هایی که می‌شنوم بیشتر به ترانه‌های پاپ نزدیک است و از جهت ریتم و ملودی و حتی گاهی کلام یا شعرهای مذهبی فاصله دارد. این شاعر درباره نوحه‌هایی که امروز در قالب شعرهای آیینی می‌شنوم اظهار کرد: به نظر می‌رسد یک اقدام عمومی برای این‌که سطح شعر مداحی و منبری ما بالا برود لازم است تا مسواد و دانش ادبی این شاعران بالا برود و آثار وزین و سنگین‌تر بسازند. او با اشاره به نامناسب بودن شعرهای برخی نوحه‌ها و مداحی‌ها گفت: آنچه ما از طریق رسانه‌ها یا هیئت‌های مذهبی می‌شنوم، نشان‌دهنده آن است که انتخاب شعرها برای نوحه‌سرای‌ها خوب نیست و هر سال هم همین مطلب را تکرار می‌کنیم که معمولاً این شعرها، شعرهای پیش‌افتاده‌های هستند که

و غربی‌بی است که از درون خود ما را می‌سوزاند و بیرونمان شکل دیگری اتفاق می‌افتد. این عاشقی است که خیلی‌ها را گرفتار می‌کند. این بازیگر با اشاره به بهترین خاطره‌ای که از سینما دارد، بیان کرد : من برای اولین فیلمم دوازده بار به سینما رفتم ، پانزده بار بچه هایم و شانزده بار همسایه‌ها را بردم و برای کاسب های محل، بلیت خریدم و به سینما بردم تا فیلمم را ببینند. این فیلم به نام «افسون» به کارگردانی محمدرضا صفوی

یا ابوعطا است. من ترومیت هم می‌نواختم منتها به صورت تجربی یاد گرفتم. ۲- ۳ سال پیش به یک کلاس موسیقی مراجعه کردم که نواختن ترومیت را به طور آکادمیک یاد بگیرم که گفتند شما الان دیگر نمی‌توانی. گفتند اگر بخواهی نت را آموزش بگیری، آنچه بلد هستی هم یادت می‌رود.

آیا ما تعزیه‌های مخصوص روزهای شاد هم داریم که در ایامی که ایام شادی است اجرا شود؟

بله. مثلاً ۴ مجلس تعزیه مختار و ۴ مجلس تعزیه یوسف داریم.

به این تعزیه‌ها، شبیه مضحک می‌گویند؟

اسمشان همان تعزیه است. خیلی کم می‌گویند شبیه مضحک. تعزیه مختار، داستان خونخواهی امام حسین (ع) است، درست مثل سریال «مختارنامه». تعزیه یوسف شامل ۴ مجلس است که مجلس "به چاه انداختن" خودش ۲ ساعت و نیم به طول می‌انجامد. "یوسف و زلیخا" و "جلوس یوسف" هم مجلس‌های دیگر تعزیه یوسف است. تعزیه‌های دیگری مثل تعزیه عمر ابن عبود و تعزیه چهل یهودی داریم که هم گریه دارند و هم خند.

شما به عنوان پیشکسوت‌های تعزیه، تاکنون تلاشی کرده‌اید که رشته تعزیه در دانشگاه‌ها راه‌اندازی شود؟

یک آقایی به نام مرادی از طرف گروه تعزیه آل طاهما مذاکراتی در این خصوص داشته است. قول‌های داده شده که یک رشته‌ای به نام تعزیه در دانشگاه در نظر گرفته شود اما همچنان خبری نیست. آقای فتحعلی‌بیگی هم پیگیری کردند که یک رشته‌ای به نام نمایش‌های ایرانی راه‌اندازی شود که گرایش تعزیه داشته باشد. این طرح متعلق به ۶ سال پیش است که ۴ سال پیش تصویب شد و حتی دانشگاه سوره هم این قضیه را پیگیری کرد، اما متأسفانه هنوز اتفاقی نیفتاده است. متأسفانه تعزیه‌های ما را فیلمبرداری می‌کنند اما اجازه پخشش را در رادیو و تلویزیون نمی‌دهند.

به چه دلیل؟

نمی‌دانم.

آقای کبیرستمی یک زمانی خواستند یک فیلم مستند از تعزیه‌خوان‌ها تهیه کنند. چرا آن فیلم به سرانجام نرسید؟

آقای کبیرستمی می‌خواست یک برنامه بسیار بزرگ اجرا کند. تصمیم داشت که چند تعزیه را در آن فیلم جا دهد. تعزیه حر، تعزیه حضرت علی‌اکبر، تعزیه حضرت ابوالفضل و غیره. حدود ۱۰۰ تعزیه‌خوان از جاهای مختلف ایران آمدند و در لاله‌زار جمع شدند و یک بخش‌هایی هم ضبط شد اما به سرانجام نرسید. البته ضبط‌ها با لباس تعزیه نبود. آقایان با لباس شخصی خودشان را معرفی کردند و یک مقدار خواندند و ضبط شد. نمی‌دانم چرا آن فیلم ساخته نشد.

تعزیه‌خوانی به علم موسیقی هم نیاز دارد؟

حتماً. اصلاً گوشه‌های موسیقی از تعزیه آمده است. همه موسیقی‌دان‌ها می‌گویند که مادر موسیقی ایرانی، تعزیه است.

شما علم موسیقی را در روال کار یاد گرفتید؟

بله. من نرفتم‌ت نت خوانسم. از چسگی وقتی می‌خواندم، مثلاً می‌گفتند این همایون، ماهور

عبدالعباس کاکایی:

از نوحه‌ها ترانه پاپ به گوش می‌رسد

سراینده‌های‌شان هم شاعران متوسطی هستند که صرفاً ذوق و عشقی برای سرودن شعر مداحی دارند. کاکایی افزود: ممکن است چند کار خوب هم شنیده شود اما جریان عمومی جریان رو به ضعیفی است که در شعر مداحی ما وجود دارد. این شاعر همچنین درباره اشتیاق نسل جوان امروز به سرودن شعر آیینی بیان کرد: به طور طبیعی و خودجوش اشتیاق نسل امروز به سرایش اشعار آیینی کم شده است. اوایل در تولدها، وفات‌ها و ایام خاص گرایش به سرودن این آثار بود اما به نظر می‌آید اکنون بسامد خلق آثار آیینی فروکش کرده است و جز جشنواره‌هایی که برگزار می‌شوند و عموماً به نهادهای دولتی حامی آن‌ها

ما از دولت جمهوری اسلامی و مخصوصاً وزارت فرهنگ و ارشاد توقع داریم که به تعزیه بها بدهند. الان به من دکترای درجه یک شبیه‌خوانی را داده‌اند. اگر تعزیه را قبول ندارند، پس این نشان درجه یک را چرا به من داده‌اند؟ اگر قبول دارند، یک بودجه‌ای درنظر گرفته شود تا تعزیه سر پا بماند

نه شهرداری کمک می‌کند و نه سازمان اوقاف. زمین‌ها و باغ‌های زیادی وقف تعزیه شده است ولی هیچ اتفاقی نمی‌افتد

متأسفانه تعزیه‌های ما را فیلمبرداری می‌کنند اما اجازه پخشش را در رادیو و تلویزیون نمی‌دهند

آقای صفاریان، چرا شما تعزیه از تباط می‌گرفتند؟

تعزیه بروشور داشت که بروشورها را روی صندلی‌ها می‌گذاشتند. داستان تعزیه توی بروشورها نوشته شده بود و بعد مخاطبان از طریق رنگ، موسیقی و گفتار و رفتار آدم‌ها، داستان را پیگیری می‌کردند.

صدای تان را هم با تمرین حفظ کرده‌اید؟

بله. الان هم موافق می‌خوانم و هم مخالف. زیاد هم به گلویم فشار نمی‌آورم. خداوند من را یاری کرده است.

می‌گویند آقای صفاریان، نقش ابلیس ذبح اسماعیل را خیلی خوب می‌خواند؟ دلپش چیست؟ چه چیزی به آن اضافه کرده‌اید که بقیه نمی‌توانند؟

ابلیس برای این‌که به حاجر برسد، استخاره می‌کند و یک شعر جالبی را می‌خواند. یک مقدار از این بخش را خودم خلق کرده‌ام و یک بخشی از آن را هم از یک اجرایی در فروزین گرفتم و به اجرایم اضافه کردم. البته ما از نظر خودمان کارهای نیستم و شما، آقای فتحعلی‌بیگی و دیگر عزیزان به من لطف دارید.

استاد! آرزوی‌تان چیست؟

خدا را شکر هر سال به کربلا می‌روم. سال ۱۳۶۱ هم به همراه حاج خانم به مکه رفتم. هزینه رفت و آمدمان، هزینه مهمانی، قربانی و هزینه‌های دیگر روی هم شد ۸۰ تومان. از آن به بعد هم ۶- ۵ بار حج عمره رفتم.

آقای کلام آخر...

یک پیشنهاد دارم. اینکه ۴ تکیه در چهار گوشه تهران ساخته شود. صبح جمع‌ها تعزیه اجرا شود و همان جا محلی وجود داشته باشد تا بچه‌ها و جوان‌ها تعزیه یاد بگیرند. من به تعزیه‌خوان‌ها هم انتقاد دارم. اگر تعزیه‌خوان‌های ما همین رویه‌ای که در این چند سال پیش گرفته‌اند را ادامه بدهند و به همین شکل بخوانند، تعزیه تا ۴- ۵ سال دیگر از بین می‌رود چون نسل جدید آموخته‌های گذشتگان را فراموش می‌کنند و به گذشتگان نگاه نمی‌کنند. نوآوری‌هایی که دارند انجام می‌دهند بیشتر به تعزیه ضربه می‌زند. نسل جوان فکر می‌کند با وارد کردن موسیقی استانبولی یا موسیقی‌های پاپ لس‌آنجلسی به تعزیه، جذب مخاطب می‌کند، در صورتی که بیشتر زدگی می‌آورد. نسل جوان بیشتر سعی می‌کنند بر اساس سسی‌دی‌هایی که وجود دارد بخوانند. یک چیزی هم به آن اضافه می‌کنند و اسنم‌ش را می‌گذارند تعزیه. خدا حاج آقا فتحعلی‌بیگی را عمر دهد که الان صدای من را ضبط می‌کند که تبدیل به سسی‌دی کند و جوان‌ها از این سسی‌دی‌ها استفاده کنند. از حاج‌آقا فتحعلی‌بیگی که پژوهشگر است و خودش هم تعزیه‌خوان است، تشکر می‌کنم. ما با هم تعزیه خوانده‌ایم. هر کس که به هر نحوی دارد برای بهتر شدن تعزیه کوشش می‌کند، خدا حفظش کند و اجر دنیا و آخرت به او بدهد. از شما هم تشکر می‌کنم.

